

تقدم کارآمدی اقتصادی بر سنت‌گرایی در اصلاحات جدید حقوق تعهدات فرانسه

مهراب داراب‌پور*

الهام انیسی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۲

چکیده

اقدامات کشورهای مختلف به سمت ارتقای کیفی و هماهنگ‌سازی مقررات حقوق خصوصی، به‌ویژه حقوق قراردادی آنها، به سرعت در حال افزایش است. دستاورد مهم حرکت به سوی یکنواخت‌سازی حقوق کشورهای اروپایی را نیز می‌توان بی‌شک در تدوین اصول حقوق قراردادهای اروپا و طرح قواعد جامع مشترک ملاحظه کرد. به منظور تطبیق قوانین در حوزه حقوق قراردادهای اروپا با اصول کلی بازرگانی و نیازهای جوامع امروز، نتیجه طرح اصلاح قانون مدنی آلمان که از سال ۱۹۷۰ آغاز شده بود، پس از سال‌ها بررسی نهایتاً در سال ۲۰۰۱ به‌بار نشست. در فرانسه نیز حقوق قراردادهای طی بیست سال اخیر تحت تأثیر حقوق اروپایی بوده است و تأثیر آن در رویه قضایی دادگاه‌های این کشور مشهود و نهایتاً طرح اصلاحی پس از چند دهه رویارویی با چالش‌های متعدد، تدوین و در ۱۶ فوریه ۲۰۱۶ تصویب و ظرف چند هفته، یعنی از اکتبر ۲۰۱۶، لازم‌الاجرا (خواهد) گردید. هدف از این اصلاحات بی‌شک ساده‌سازی قوانین و به خدمت گرفتن قانون برای آسایش و رفاه اقتصادی، حذف مواد قانونی غیرکارآمد و انعکاس دستاوردهای عملی دادگاه‌ها در مقررات قانونی بوده است. از جمله می‌توان به ارائه اطلاعات، عدول از ایجاب، شفاف‌سازی، حذف نظریه سبب یا علت معاملات، حمایت از طرف ضعیف‌تر در

* استاد حقوق تجارت بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

Info@DrDarabpour.ir

** دانش آموخته دکترای حقوق نفت و گاز دانشگاه شهید بهشتی

Elham_Ansi@yahoo.com

برابر شروط ناعادلانه قراردادهای الحاقی، وعده و اختیار خرید، حسن نیت، نقض قابل پیش‌بینی، ملاحظه ضابطه اقتصادی در صدور حکم به پرداخت خسارت به جای الزام به ایفای عین تعهد، ثمن شناور، انتقال مکتوب قرارداد به دیگری، پذیرش عقود با زمان نامعلوم (حق فسخ به جای بطلان) و پذیرش فسخ یکجانبه و غیرقضایی در صورت تغییر اوضاع و احوال پس از انعقاد قرارداد اشاره کرد. اهداف و زمینه‌های اصلاح و نوآوری قبل از انعقاد در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، شاید منبع الهامی برای حقوق ایران باشد.

کلیدواژه‌گان:

حسن نیت، ثمن شناور، سبب معاملات، شفاف‌سازی و تعهد به ارائه اطلاعات، قرارداد بی‌زمان، وعده یکجانبه قرارداد.

مقدمه

جهان و قوانین آن به‌سوی تمدن، کارایی اقتصادی و توسعه پایدار پیش می‌رود و این مبانی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی است که جهت‌تغییرات را تعیین می‌کنند. توسل به اصلاحات کشف‌گرایانه داخلی و بهینه‌سازی قوانین غربی، به‌ویژه فرانسه، دو رویکرد متفاوت است که هر دو سرعت در تغییر قوانین را نشان می‌دهد.^۱ اولین رویکرد شگرف‌ترین پیشرفت را در واپس‌گرایی و کسب رضایت خالق و مخالفت با مخلوق و مقررات عقلانی و عقلایی دارد و دومین رویکرد برعکس، زندگی را بر مردم ساده‌تر می‌سازد و آرامش بیشتری در خصوص تعهدات قراردادهای به‌ارمغان می‌آورد؛ به‌نحوی که نه فقط تنشی در جامعه حقوقی به‌وجود نیاید، بلکه تنش‌های احتمالی از حیطة اجرای قوانین نیز برداشته شود.

اجتناب از مقدس‌سازی قوانین و همسوسازی مقررات با نیازهای اجتماعی مردم، سبب شده است که پیشرفت در قانون کشورهای مختلف، از جمله فرانسه، به‌وجود آید. برخی کشورهایی که از قانون فرانسه الهام گرفته بودند، آن را با نگاهی مذهبی، مقدس ساختند و آن را بسان قانون آسمانی فرض کردند و این چنین شد که باب تحجّر گسترده در حقوق آنها باز شد. برای مثال، ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران^۲ به‌همان شکل باقی ماند، حال آنکه چندین سال بعد (در سال ۱۹۷۵) در حقوق فرانسه این ماده تغییر کرد و برای وجه التزام ناچیز یا بسیار زیاد تدابیری اندیشیده شد. تحجّر در حقوق کشورهایی که فقط کتب فقهی یا خارجی دیگر را ملاک قانون‌گذاری قرار می‌دهند،^۳ مانع از انجام هرگونه تغییر مثبت و مفید به‌حال مردم می‌شوند. البته

1 Terre, Francois, la reforme du droit des obligations, paris, gauuz, 2010.

- Pignarre, Geneviève, Le droit des obligations d'un siècle à l'autre, Dialogues autour de la réforme du titre III du livre III du Code civil, Editeur: Institut Universitaire Varenne, Collection: Colloques & Essais, ISBN: 978-2-37032-081-0; 2016.
- Ordinance Nr. 2016-133 dated 10 February 2016 which reforms contract law regime, which will enter into force on 1 October 2016.

۲ ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران: «اگر ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به‌عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند آن را به بیشتر یا کمتر از آنچه ملزم شده است، محکوم کند».

۳ ر.ک. آدمیت، فریدون، *امیرکبیر و ایران*، ص ۵۱۰، کاشانی، سیدمحمد *اندیشه‌ها در حقوق امروز*، نشر حقوقدان، ۱۳۷۶، صص ۲۲۷-۲۲۶.

که نظریهٔ کشف کمک زیادی به تغییرات منفی می‌نماید.^۱ تلاش‌های بسیار زیادی در سطح بین‌المللی برای اصلاح و هماهنگ‌سازی مقررات بین‌المللی صورت گرفته و کدها و کنوانسیون‌ها و قوانین نمونهٔ فراوانی تنظیم و ارائه شده و پیشرفت‌های زیادی حاصل گردیده که حقوق فرانسه نیز از این قاعده مستثنا نبوده است.

لایحهٔ اصلاح جامع قانون تعهدات فرانسه برای اولین بار توسط وزیر دادگستری فرانسه در فوریه ۲۰۱۵ تدوین گردید. تعهدات غیرقراردادی در شمول لایحه قرار ندارد. هدف از وضع این لایحه، ساده‌سازی مقررات در برخی زمینه‌ها و منطبق کردن آن با معیارهای بین‌المللی و حقوق اروپایی است تا بتواند مقررات قانونی را با ادبیات حقوقی امروز به‌شيوه‌ای جدید به‌جامعهٔ فرانسه و همچنین نظام حقوقی بین‌المللی قراردادها ارائه کند.^۲

حقوق قراردادها یا به‌عبارت دقیق‌تر حقوق تعهدات، هستهٔ اصلی حقوق مدنی در نظام‌های داخلی هر کشوری است؛ همچنان که یکی از مهم‌ترین و بهترین موضوعات در زمینهٔ حقوق تطبیقی است. امروزه متدولوژی مطالعات تطبیقی تغییر یافته و ضرورت نگرش اسناد بین‌المللی در کنار مطالعهٔ حقوق سایر کشورها، چه در مطالعات آکادمیک و چه در حوزهٔ قانون‌گذاری، افزایش یافته است و بسیاری از کشورها در اصلاحات قانونی خود از اسناد مزبور استفاده می‌کنند. در قلمرو حقوق قراردادها، چهار سند مهم بین‌المللی وجود دارد: کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مؤسسهٔ یکسان‌سازی حقوق خصوصی رم،^۳ اصول حقوق قراردادهای اروپا و طرح چارچوب مشترک جامع که همگی در راستای توسعهٔ حقوق خصوصی،

۱. طباطبائی، جواد، *نظریه حکومت قانون*، انتشارات ستوده، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۴۹۶؛ کاشانی، سیدمحمود، *استانداردهای جهانی دادگستری*، نشر میزان، سال ۱۳۸۴، صص ۲۲ به بعد. استاد می‌فرماید: هیچ ستمی به شهروندان یک کشور بالاتر از این نیست که در دوران شکوفایی اندیشه‌های نوین، حقوق مردم و حاکمیت قانون شهروندان ایرانی گروگان مقررات تاریخی چند هزار سال پیش قرار گیرند، (*حقوق مدنی قراردادهای ویژه*، نشر میزان، ۱۳۸۸، ص ۲۷). بی‌تردید روند پیشرفت شگرف حقوقی در کشور از گذشته‌پژوهی به سوی آینده‌سوزی بوده است.

2. Benedicte Fauvorque-cosson. "Towards an important reform of French Civil Law". *Montesquieu Law Review*, No 3 2015.

3 Unidroit.

به‌ویژه حقوق قراردادهای، بوده و حاصل تلاش سالیان دراز حقوق‌دانان صاحب‌نظر است و هیچ‌یک از تلاش‌ها به‌صورت انفرادی صورت نگرفته است.^۱

دویستمین سالگرد قانون مدنی فرانسه، جنب و جوش قابل ملاحظه‌ای در اکثر کشورهای دوپسمین سالگرد قانون مدنی فرانسه، جنب و جوش قابل ملاحظه‌ای در اکثر کشورهای که سهمی در اصل تدوین این قانون داشته‌اند، ایجاد کرد. حدود دو قرن از تصویب بخش سوم از کتاب سوم قانون مدنی (حقوق تعهدات) فرانسه می‌گذرد و در طول این مدت عملاً مقررات این بخش بدون تغییر مانده بود. در ۱۹۰۴ در سالگرد گرامیداشت تدوین کد ناپلئون، وزیر دادگستری فرانسه کمیسیونی متشکل از سیاست‌مداران و دانشگاهیان تشکیل داد تا موضوع بازنگری قانون مدنی فرانسه بررسی شود. در ۱۹۴۵ اولین پیش‌نویس اصلاحی توسط کمیسیون مزبور تدوین و مقرر شد تا چهار کمیته مستقل هر یک بخش عمومی، اشخاص و خانواده، تعهدات و اموال را موضوع کار خود قرار دهند. در دهه‌های اخیر بخش حقوق خانواده و ارث اصلاح شده‌اند. اما با وجود تحولاتی که در رویه قضایی فرانسه در حال شکل‌گیری بود، بخش تعهدات و قراردادها هنوز دست‌نخورده باقی ماند. شاید یکی از دلایل این بود که در دهه ۷۰ میلادی اروپا منتظر تحول در زمینه قوانین اتحادیه اروپا بود.

بسیاری از کشورهای غربی دست به تدوین دوباره قوانین خود زدند. هلند قانون جدیدش را در سال ۲۰۰۰ و آلمان در ۲۰۰۱ به تصویب رساندند. بسیاری از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی نیز پس از ورود به اتحادیه اروپا دست به اقدامی مشابه زدند. قانون مدنی فرانسه منعکس‌کننده مبانی نظری زمان تدوین خود، از جمله آزادی و برابری، بود. در ۱۸۰۴ که کد ناپلئون تدوین می‌شد، مقررات حاکم بر قراردادها از طرز تفکر آزادی‌های مطلق فردی نشأت می‌گرفت. حال آنکه در لایحه اصلاحی جدید، همبستگی و انصاف قراردادی بیشتر از آزادی‌های فردی مطرح است، از الزام به رعایت اصل حسن‌نیت در مرحله پیش‌قراردادی گرفته تا اختیارات وسیع دادگاه‌ها برای اعلام خاتمه قرارداد در صورت وجود شروط ناعادلانه قراردادی. در این لایحه به نظم عمومی اقتصادی در روابط قراردادی نیز توجه ویژه‌ای شده است.

۱. شعاریان، ابراهیم، ترابی، ابراهیم، مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۴۶.

طرح اصلاح حقوق تعهدات فرانسه در قالب چندین طرح گروهی انجام شد. طرح در خصوص حقوق تعهدات به سرپرستی پروفیسور پی یر کاتالا^۱ در سال ۲۰۰۵ تقدیم وزارت دادگستری شد که بیشترین نوآوری‌ها را در برمی‌گرفت.^۲ طرح اصلاحی حقوق قراردادها حاصل پروژه کارگروه آکادمی حقوق و سیاسی فرانسه به سرپرستی فرانسوا تره^۳ است. از جمله نوآوری‌های این طرح شناسایی هاردشیب (همان تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قرارداد) و شناسایی شروط غیرمنصفانه قراردادی می‌باشد. پروژه اصلاح حقوق قراردادها در سال ۲۰۰۸ توسط وزارت دادگستری فرانسه تهیه شد و هدفش آن بود تا مقررات فرانسه را با اسنادی چون DCFR و PECL هماهنگ کند و طرح چهارم، پروژه اصلاح رژیم تعهدات و شبه‌قراردادهاست.^۴

اولین پیش‌نویس اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه در سال ۲۰۰۸ تهیه گردید که بیشتر متأثر از اصول حقوق قراردادهای اروپایی و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مؤسسه یونیدوروا بود. البته قبل از آن، سازمان‌های حقوقی حرفه‌ای این کشور، مانند کانون وکلای فرانسه، اتاق بازرگانی بین‌المللی و کانون سردفتران آن کشور کارهای گروهی خود را آغاز و ملاحظات انتقادی خود را به وضع فعلی حقوق قراردادها به وزارت دادگستری آن کشور ارائه کرده بودند. در سال ۲۰۱۰ وزارت دادگستری به‌طور جدی به بررسی رژیم حقوقی قراردادها ورود کرد و در همان سال، مواد مربوط به مرور زمان اصلاح شد. نهایتاً در ۲۷ نوامبر ۲۰۱۳ لایحه طرح تجدید و ساده‌سازی قانون و مقررات^۵ تقدیم مجلس فرانسه شد. ماده ۳ این لایحه تحت عنوان تسهیل حقوق قراردادها و نظام ادله اثبات دعواست. هدف این مقررہ آن بود تا از مجلس مجوز اصلاح حقوق قراردادهای فرانسه از طریق Ordonnance^۶ (مصوبه شورای وزیران) اخذ شود. در این لایحه به دلایل و توجیہات لزوم اصلاح قانون اشاره و بر هدف اساسی اصلاح که همان قابلیت

1. Pierre Catala.

2. See also: John Cartwright, Stefan Vogenauer, Simon Whittaker, "Reforming the French Law of Obligations comparative Reflections on the Avant-projet de réforme du droit des obligations et de la prescription ('the Avant-projet Catala')", Studies of the Oxford Institute of European and Comparative Law, 2009.

3. F. Terre.

۴. شعاریان، قبلی، صص ۵۰-۵۱.

5 The Projet de loi de 27 novembre 2013 relatif a la modernization et a la simplification de droit et des procedures dans les domaines de la justice et des affaires interieures.

6 Under the French Government, an *ordonnance* (French for "ordinance") is a statutory instrument issued by the Council of Ministers in an area of law normally reserved for primary legislation enacted by the French Parliament.

فهم آسان، لزوم ایجاد قطعیت در قراردادها و نهایتاً جذابیت قانون فرانسه بود، تأکید شد. در ابتدا مجلس در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۴ با آن مخالفت کرد و در نهایت پس از طرح مجدد در شورای عالی فرانسه در آوریل ۲۰۱۴ با آن موافقت شد. پیش‌نویس قانون در سایت وزارتخانه مزبور برای اخذ دیدگاه‌های مشورتی قرار گرفت و نسخه‌ای از آن برای ادارات و سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و نهادهای حرفه‌ای حقوقی ارسال شد.^۱

با این توصیف، ملاحظه می‌شود که در دهه‌های اخیر، تلاش‌های زیادی برای اصلاح مقررات قانونی در فرانسه صورت گرفته است. تدوین قانون جدید فرانسه یک فرایند مستمر بوده است. تغییرات انجام‌شده تحت تأثیر عوامل گوناگونی از جمله رویه عملی دادگاه‌های فرانسه و اصول حقوق قرارداد‌های اروپا بوده است. منبع الهام‌بخش اصلاحات (مثلاً درباره پذیرش تغییر اوضاع و احوال بر قرارداد) ظاهراً برگرفته از اصول حقوق قرارداد‌های اروپاست، لکن رویه عملی دادگاه‌های فرانسه در پذیرش مقررۀ فوق را نباید نادیده گرفت. در واقع اصلاحات از مدت‌ها قبل در رویه قضایی دادگاه‌های فرانسه جایگاه خویش را یافته بود.

با کار تلفیقی دو کارگروه متشکل از دانشگاهیان و وکلا که با اجرای عملی مقررات سروکار داشته‌اند، کار تدوین دوباره مقررات حقوق قراردادی فرانسه شروع شد. در ظاهر این نوآوری در مدت زمان کمی به ثمر نشست، اما نتیجه چندین دهه تلاش و بحث فراوان گروه‌های علمی و تخصصی حقوق فرانسه بوده است.^۲

در این اصلاحات، علاوه بر آنکه به یافته‌های قضایی دادگاه‌های فرانسه توجه ویژه‌ای شده است تا آن راه‌حل‌ها را تثبیت و ضریب اطمینان حقوقی در روابط تجاری را بالا برد، درعین‌حال با حذف «سبب» قرارداد، از برخی تئوری‌های قبلی حاکم بر اصول مقررات قراردادی فاصله گرفته و نهادهای جدیدی را با الهام از نظام‌های حقوقی دیگر مانند تغییر اوضاع و احوال و شرایط بر قرارداد^۳ پذیرفته است. در این اصلاحات به دادگاه‌ها اجازه داده شده است تا برای رفع شروط

1. *ibid.* p 4.

2. Alexis Downe, The Reform of French Contract Law: A Critical Overview. *Revista da Faculdade de Direito-UFPR, Curitiba*, vol 61, no 1, Jan 2016.

3. Doctrine of *l'imprévision*.

ناعادلانه و نابرابر اساسی در قرارداد^۱ به حمایت از طرف ضعیف‌تر در قرارداد بشتابند و حسب مورد قرارداد را باطل اعلام نمایند.

در پیش‌نویس اصلاحی کتاب سوم قانون مدنی فرانسه قسمت اول ناظر به قرارداد، بخش دوم تعهدات غیر قراردادی، بخش سوم منبع تعهدات، چهارم مقررات کلی و پنجم بحث ادله اثبات دعواست. در این تحقیق به اصلاحات مبحث اول کتاب سوم که همان قرارداد است پرداخته می‌شود. این پژوهش در دو گفتار انجام شده است. در گفتار اول به اهداف و زمینه‌های اصلاح حقوق قراردادی در فرانسه و در گفتار دوم به شرح تعدادی از اصلاحات مربوط مرحله قبل از انعقاد قرارداد پرداخته خواهد شد. این نوآوری‌ها در قانون فرانسه بی‌سابقه بوده است.

۱. اهداف اصلاح حقوق قراردادها در فرانسه

به دنبال همسو شدن با اصول بازرگانی بین‌المللی، ساده‌سازی و فهم آسان قانون برای همگان و ایجاد جاذبه‌های لازم برای اعمال بر قراردادهای بین‌المللی و بالا بردن میزان حمایت از طرف ضعیف‌تر در قرارداد، از اهداف اصلاح بخش حقوق قراردادها در فرانسه است. قابل توجه است که هدف اصلاح قوانین داخلی برخی کشورها منطبق ساختن این قوانین با عقاید و باورهای آنهاست، بدون اینکه آثار مفید یا مضر آن مورد بحث و کنکاش قرار گرفته باشد. در این راستا هیچ کدام از ساده‌سازی، حمایت از طرف ضعیف‌تر و ایجاد جذابیت در حقوق قراردادها، جایگاهی در نزد قانون‌گذارانی که کار تطبیقی قوانین با باورها و عقاید را به عهده دارند، نخواهد داشت. گواه بر موضوع تغییراتی است که به نام اصلاح در قانون مدنی ۱۳۱۱ ایران در سال‌های بعد از انقلاب انجام شده است^۲ که هیچ‌کدام نه فقط وضعیت قانون را بسامان نکرد، بلکه از قبل نامطلوب‌تر نمود.

1. Notion of significant imbalance.

۲. ر.ک. کاشانی، سیدمحمود، *حقوق مدنی قراردادهای ویژه*، نشر میزان، ۱۳۸۸. درباره اثر این تغییرات در قانون مدنی ایران. مقدمه کتاب، استاد در مورد این تغییرات که در قانون مدنی آمده است، می‌فرماید: «این گونه قانون‌گذاری‌ها که در جای خود هیچ‌گونه پیام سودمندی برای مردم نداشته به بی‌اعتبار کردن شرع و باورهای دینی مردم انجامیده و تکرار تجربه تلخ و زیان بار پیش از تأسیس دادگستری نوین در کشور ماست (ص ۲۹)».

۱.۱. ساده‌سازی مقررات

سادگی و قابلیت فهم قانون همواره به عنوان یک هدف اساسی پیش‌روی تدوین‌کنندگان برخی از کشورهاست. در فرانسه دادگاه‌ها در آرای خود سعی در بیان ساده‌قوانین داشتند، لذا به منظور حفظ قابلیت اجرا، تفاسیر جدید و ویژه‌ای از قانون ارائه کردند. به همین دلیل بسیاری از زمینه‌های پروژه اصلاح قانون منعکس‌کننده بهترین تصمیمات و تفسیرهای قضات فرانسوی در طول دو قرن اخیر است.^۱

به نظر می‌رسد که تدوین‌کنندگان قانون به این باور رسیده‌اند که مقررات قانونی به عنوان یک هنجار در روابط طرفین یک قرارداد تجاری آن هنگام که بدو در رویه قضایی دادگاه‌ها شکل گرفته باشد و سپس به شکل قانون درآید، با استقبال بیشتری در جامعه روبرو می‌شود و بهتر می‌تواند خلأهای موجود را حل کند. این همان روشی است که قرن‌های متمادی در حقوق کامن‌لا به طور موفقیت‌آمیزی عملی شده است. جالب است بدانیم که در تدوین مقررات حقوق قراردادی فرانسه، برخلاف قانون قبلی، ترتیب زمانی به چشم می‌خورد. این مقررات ابتدا به عنوان منبع تعهدات آغاز می‌شود و در متن در سه بخش به تشکیل قرارداد، تفسیر و آثار قرارداد می‌پردازد. برخلاف برخی نظام‌های حقوقی، مانند کامن‌لو، اعمال حقوق قراردادی فرانسه بدون ارجاع به حقوق تعهدات صورت نمی‌پذیرد. به عنوان مثال، وقتی یک وکیل انگلیسی از نقض قرارداد سخن می‌گوید، یک پژوهشگر فرانسوی بر عبارت نقض تعهدات قراردادی تأکید می‌کند که می‌تواند به شکل عدم‌اجرا یا اجرای ناقص تعهد قراردادی تعریف شود. به همین دلیل است که در حقوق فرانسه در کنار ضمان قهری و شبه جرم، از قراردادها به عنوان یکی از منابع تعهدات نام برده می‌شود. نتیجه چنین نگاهی به قرارداد حداقل این بوده که تنها اثر یک قرارداد، ایجاد تعهد است. لذا قراردادها به عنوان تنها منبع خاص ایجاد تعهد در نظر گرفته شده است.^۲

1. Alexis Downe, op cit.

2. GHESTIN J., LOISEAU G. and SERINET Y.-M., 2013. La formation du contrat. Tome 1. Le contrat, le consentement. 4th ed. Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence and Lextenso. P. 2.

۱.۲. حمایت از طرف ضعیف‌تر در قرارداد

مدت‌های مدیدی است که استفاده از قراردادهای با شروط استاندارد رواج بسیاری یافته است؛ به گونه‌ای که گفته می‌شود بیش از نود درصد قراردادهای انعقاد یافته از طریق همین قراردادهای استاندارد است. زمانی که بلیط هواپیما، قطار یا اتوبوس خریداری می‌شود، زمانی که حسابی در بانک افتتاح می‌شود یا قراردادها و شروط از قبل تنظیم شده روبرو می‌شویم که موضوع مذاکره قرار نگرفته است و در عمل تغییر آنها ممکن نمی‌باشد.^۱

پرسش اساسی این است که چرا در چنین قراردادهایی باید از طرف ضعیف‌تر حمایت نمود^۲ و چرا در این قراردادها اصل آزادی اراده کم‌رنگ می‌شود. قبلاً فرض بر این بود که طرفین قرارداد دارای قدرت برابر اقتصادی در مذاکرات و انعقاد و اجرای قرارداد هستند. مثلاً به‌طور کلی دیدگاه حقوق فرانسوی به مدل قراردادی بر همین اساس استوار است که بیع میان اشخاص دارای قدرت برابر در معامله یا حداقل قابل مقایسه با هم صورت می‌گیرد. البته این دیدگاه به دنبال انقلاب صنعتی و فرایند ایجاد یک معیار و الگوی قراردادی در زمان تدوین مقررات آن زمان (کد ناپلئون ۱۸۰۴) قابل توجیه بود. اما امروزه بسیاری از قرارداد در قالب یک الگوی از پیش تعیین شده درآمده‌اند و غالباً میان افرادی با توانایی‌های معاملاتی متفاوت منعقد می‌شوند. چنین قراردادهای از پیش تعیین شده‌ای معمولاً قبل از امضا نیز خوانده نمی‌شوند، چه رسد به اینکه محتویات آن نتیجه مذاکرات آزاد طرفین باشد. از این رو، یکی از اهداف اصلاح حقوق قراردادی در فرانسه، پر کردن خلأهای قانونی در قراردادهای میان اشخاص نابرابر بود. در واقع یکی از نتایج توسعه روابط قراردادهای تجاری همین است که به منظور سرعت و تسهیل در امور، از نمونه قراردادهای از پیش تعیین شده استفاده شود. در نگاه اول این امر به تسهیل روابط تجاری کمک می‌کند، اما به هر حال نقش آزادی اراده طرفین در پذیرش قراردادی که مفاد آن قبلاً از سوی یکی از طرفین تهیه شده، کاهش یافته است، چراکه امکان مذاکره و تعیین مفاد آن با اراده هر دو طرف وجود ندارد. در حقوق فرانسه این گونه قراردادهای، قرارداد الحاقی نامیده می‌شوند و در نظام کامن‌لو بیشتر از اصطلاح قراردادهای استاندارد استفاده می‌شود.

۱. شیروی، عبدالحسن، قراردادهای استاندارد در حقوق کامن‌لو با تاکید بر حقوق انگلستان و آمریکا، مجله مجتمع آموزش

عالی قم، بهار ۸۱، شماره ۱۲، ص ۶۸

۲. داراب‌پور، مهرباب و دیگران، راهکارهای حقوق حمایتی، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۷.

۱.۳. جذابیت حقوق قراردادهای

جذابیت یک نظام حقوقی، مؤثرترین عامل در انتخاب آن قانون به عنوان قانون قابل اعمال در روابط قراردادی محسوب می‌شود. تدوین اصول حقوق قراردادهای اروپا به عنوان یک منبع فراملی، کشورهای اروپایی را بر آن داشت تا به منظور تسهیل امکان انتخاب قوانین ملی خود بر قراردادهای تجاری بین‌المللی توسط طرفین آن، محتوای حقوق قراردادی خود را با اصول کلی قراردادی اروپا همسو و آنها را ساده‌تر سازند. در واقع جذابیت قانون و عدم سخت‌گیری‌های آن است که موجب برتری و ترجیح یک نظام بر نظام حقوقی دیگری می‌شود. به عنوان نمونه گاه به دلیل موضوع خاص یک قرارداد، نظام حقوقی فرانسه بر قراردادی رجحان داده می‌شود تا بتوان در صورت نقض تعهد نسبت به الزام متعهد به ایفای عین تعهد به عنوان یک روش اولیه جبران خسارت اقدام نمود، به جای آنکه طرف ناقض صرفاً محکوم به پرداخت خسارت شود یا بالعکس، در مواردی که اجرای عین تعهد برای متعهدله اهمیت چندانی ندارد و صرفاً به دنبال جبران خسارت ناشی از نقض تعهد قراردادی است، به سیستم حقوقی کامن‌لو ترجیح داده می‌شود.

۲. نوآوری‌های قبل از انعقاد قرارداد در قانون جدید فرانسه

در اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه، سه گروه عمده مشهود است. یک گروه از نوآوری‌ها مربوط به مرحله قبل از انعقاد قرارداد است که می‌توان به تعهد به ارائه اطلاعات، رعایت حسن‌نیت، عدم امکان عدول از ایجاب در طول مدت زمان اعتبار ایجاب و حق تعیین مبلغ بعضی از انواع قراردادها اشاره نمود. در گروه دوم، نوآوری‌های مربوط به دوران اجرای قرارداد است که می‌توان از پذیرش تعدیل یا فسخ قرارداد توسط دادگاه‌ها^۱ در صورت تغییر اوضاع و احوال و شرایط قرارداد^۲ و در صورت احراز نابرابری فاحش در قراردادهای الحاقی (قراردادهای استاندارد) نام برد. در آخرین دسته، اصلاحات به مرحله نقض قرارداد برمی‌گردد که به تعدیل اصل الزام به

۱. داراب‌پور، مهرباب و علی اکبر ادیب، تأثیر عدم قابلیت پیش‌بینی در روند اجرائی قراردادهای تجاری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۳، صص ۶۹-۱۰۰.

• داراب‌پور، مهرباب و دیگران، چالش‌های حقوقی در معاملات بازرگانی بین‌المللی، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶، ص ۳۶۹.

2. Doctrine of l'imprévision.

ایفای عین تعهد که قبلاً به عنوان یک روش اولیه جبران خسارت محسوب می‌گردید، مرتبط است که به علت گستردگی مطالب شایسته است در مقاله جداگانه‌ای مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۲.۱. اصل حسن نیت

اهمیت اصل حسن نیت با پیچیده شدن روابط تجاری و ظهور قراردادهای تجاری بین‌المللی بیشتر گردیده است. در اسناد و قوانین تجاری بین‌المللی نیز اهمیت خاصی به این اصل داده شده است و آن را در زمره قواعد عمومی ذکر کرده‌اند. به عنوان نمونه کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره ضمانت‌نامه و اعتبارنامه‌های مستقل، لزوم رعایت حسن نیت را بر ضامن (بانک) یک تکلیف و تخلف از این مقرر و بی‌احتیاطی آشکار را موجب مسئولیت ضامن دانسته است.^۱ حسن نیت یکی از اصول مهم در نظام‌های حقوق داخلی و بین‌المللی است، لکن در نظام‌های حقوقی مختلف دارای آثار متفاوت است. اصل حسن نیت ریشه در حقوق رم دارد. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در بند ۷ ماده ۱، تفسیر کنوانسیون را براساس حسن نیت لازم دانسته است. نویسندگان ماده ۷۷ این کنوانسیون را در راستای تعهد به مقابله با خسارت، از مصادیق رعایت حسن نیت به شمار آورده‌اند. اصول حقوق قراردادهای اروپایی (PECL) در ماده ۲۰۱ و ۲۰۳ و در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مؤسسه Unidroit (PICC) بند ۷-۱^۲ نیز به رعایت اصل حسن نیت در قراردادها اشاره شده است.

سال‌ها حقوق‌دانان فرانسوی بر این عقیده بودند که در فرض فقدان مقررات خاص، تعهدی بر دادن اطلاعات به طرف دیگر قرارداد وجود ندارد؛ چراکه در جامعه‌ای آزاد هرکس می‌بایست در پی کسب اطلاعات مورد نیاز خود باشد. به تدریج با بروز تفاوت قابل توجه در میزان اطلاعات طرفین، نسبت به موضوع و شرایط قرارداد و چگونگی به‌کارگیری و اجرای آن فرض بر عدم تساوی درجه و حدود آگاهی طرفین قرار گرفت و زمینه طرح «تعهد به دادن اطلاعات در قرارداد» مطرح گردید. مبنای این فرض، تفاوت درجه آگاهی و صلاحیت‌های طرفین در موارد مذکور بوده است، خصوصاً در مواردی که عقد، مابین متخصص و مصرف‌کننده منعقد می‌شود. به

1. Article 14 of UN Convention for Independent Guarantees and Standby Letters of Credit.

۲. ماده ۷-۱ مقرر می‌دارد: هرکدام از طرفین قرارداد باید بر اساس حسن نیت و معامله منصفانه در تجارت بین‌المللی اقدام کنند. طرفین نمی‌توانند این وظیفه را استثناً یا محدود نمایند.

عبارت دیگر، متعهدی که به علت دسترسی به اطلاعات درباره موضوع قرارداد و چگونگی به‌کارگیری آن و همچنین در خصوص شرایط انعقاد قرارداد و اجرای آن از آگاهی بیشتری نسبت به طرف مقابل برخوردار است و به همین سبب دارای موضعی برتر در زمینه‌های مزبور می‌گردد، ملزم خواهد بود طرف دیگر را نسبت به اطلاعات مورد نیاز او در زمینه مطالب یادشده آگاه سازد.^۱ با این توصیف، تعهد به درستکاری به صورت ترک فعل (فریب ندادن طرف قرارداد) که نشانگر حداقل صداقت است، نیز شکل می‌گیرد. با الهام از اندیشه حاکم بر تعهد منفی (ترک فعل) الزام به عدم سوءاستفاده از ضعف دیگری بود که آیین‌نامه خاص شروط تحمیلی در حقوق فرانسه پیشنهاد و تصویب شد. در چارچوب حقوق مصرف‌کننده، شخص متخصص به علت شناخت فنی بیشتر و توان مالی بهتر، در وضعیت برتری نسبت به مصرف‌کننده قرار دارد، لذا قانون‌گذار اجازه مقابله با آن شروط تحمیل شده از سوی متخصص را که به علت سوءاستفاده از برتری خود نسبت به مصرف‌کننده به وی تحمیل نموده بود، صادر کرد و قانون مربوط به شروط تحمیلی و نظم‌دهنده فعالیت‌های اقتصادی و تجاری در فوریه ۱۹۹۵ تصویب شد.^۲

با آنکه در ماده ۱۱۰۳ قانون جدید فرانسه تعریفی از حسن‌نیت وجود ندارد، اما رویه قضایی فرانسه آن را حل کرده است. در قانون جدید، جایگاه حسن‌نیت از مذاکرات گرفته تا اجرا ادامه دارد و در صورت نقض، زیان‌دیده حق مطالبه خسارت را دارد. لازم به ذکر است که قبل از طرح اصلاحی حقوق قراردادی در فرانسه، رعایت اصل حسن‌نیت در قراردادهای با مصرف‌کنندگان مدنظر قرار داشته، لکن در اصلاح قانون مدنی فرانسه رعایت حسن‌نیت علاوه بر مرحله اجرای قرارداد به مرحله شروع مذاکرات تا انعقاد قرارداد تسری یافته است؛^۳ اعم از اینکه با مصرف‌کننده یا میان دو تاجر هم‌طراز باشد. شاید این ایراد مطرح شود که این عقیده منجر به بالارفتن طرح دعاوی در مراجع قضایی می‌گردد. در جواب باید گفت که حتی قبل از روند اصلاح قانون، دادگاه‌های فرانسوی رعایت اصل حسن‌نیت را به مرحله پیش از انعقاد قرارداد تسری می‌دادند.

۱. قاسمی‌حامد، عباس، *مروری اجمالی بر نظریه تعهد به دادن اطلاعات در قرارداد*، مجله کانون وکلا، ۱۳۷۵، شماره ۱۰.

۲. سیمیلر، پروفیسور فیلیپ، *راه حل حقوق فرانسه در مقابله با شروط تحمیلی قراردادها*، ترجمه عباس قاسمی‌حامد، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۲۳-۲۴، ص ۲۳۹.

3. Article 1104.

نمونه معروف آن پرونده «لندمارک مانوکیان» در سال ۲۰۰۳ است که به موجب آن خانم مندلمن ۲۳ سال در شرکت تجاری مانوکیان کار می‌کرده و در تمام مدت کلکسیون‌های لباس‌ها را دریافت و آنها را برای خود نگهداری می‌کرده است. شرکت مانوکیان صورت حسابی با مبلغ ۷۰۰ فرانک برای وی ارسال می‌کند. خانم مندلمن از پرداخت خودداری و به دادگاه طرح دعوا می‌کند؛ با این استدلال که نه در قرارداد ایشان و نه در مذاکرات هیچ‌یک به شرط استرداد کلکسیون‌ها اشاره نشده است، ضمن آنکه رفتار طرفین هم حاکی از قصد آنها به عدم شمول چنین شرطی است. در نهایت دادگاه بدوی و دیوان عالی فرانسه دفاعیات خانم مندلمن را تأیید نمودند.^۱

در واقع در این پرونده معروف، نقض تعهد به شفاف‌سازی و عدم اطلاع‌رسانی صحیح در مرحله پیش قراردادی از مصادیق عدم رفتار با حسن‌نیت تلقی شده است. در ماده ۱-۱۱۱۲^۲ قانون جدید تعهد به اطلاع‌رسانی پیش‌بینی شده است و نیز حق مطالبه خسارت را در صورت خاتمه غیرمنصفانه مذاکرات برای طرف با حسن‌نیت در نظر گرفته است. البته در تعیین میزان جبران خسارت خاتمه غیرمنصفانه مذاکرات قراردادی، نباید انتظارات مشروعی که ممکن بود از قراردادی که هنوز منعقد نشده است، نصیب طرفین شود، در نظر گرفته شود. در متن قانون اشاره‌ای به این مطلب نشده است که منشأ مطالبه چنین خسارتی نقض تعهد قراردادی است یا مسئولیت ناشی از مسئولیت مدنی است. احتمالاً از آنجا که هنوز قراردادی منعقد نشده است، باید چنین مسئولیتی را غیرقراردادی دانست.

۲.۲. حذف سبب از شروط اعتبار قرارداد

در ماده ۱۱۰۸ قانون سابق فرانسه از علت به‌عنوان شرط چهارم صحت معاملات نام برده شده بود. در ماده ۱۱۳۱ تعهد بدون علت یا مبتنی بر علت نادرست یا غیرقانونی را فاقد منشأ اثر دانسته و در ماده ۱۱۳۲ سبب غیرقانونی را سبب مغایر با قانون و مغایر با نظم عمومی و اخلاق حسنه بیان داشته است. نظریه علت منتقدانی داشت؛ از جمله پلانیول که معتقد است اصلاً نباید

1. The Interpretation of Standard Clauses in European Contracts. Edited by HUGH Collions, Kluwer Law International. Case Landmark Manoukian 2003.

۲. هرکس که اطلاعاتی دارد و می‌داند که این اطلاعات در رضایت دیگری مؤثر است، باید به طرف دیگر اطلاع دهد. در مواردی که طرف به طور صحیح از آن اطلاعات بی‌خبر است یا با اعتماد به طرف معامله اقدام می‌کند، هرگونه نقض ناشی از چنین تعهدی منجر به اعتباری قرارداد یا جبران خسارت و یا هردو می‌گردد.

در حقوق «نظریهٔ علت» وجود داشته باشد، چراکه اولاً، «فقد علت» با «علت غلط» در واقع یکی هستند. در حقیقت «علت غلط» جایی است که علت وجود نداشته و وجود آن اشتبهاً تصور می‌شده است. بنابراین دو مورد بیشتر باقی نمی‌ماند: «فقد علت» و «علت نامشروع». فقد علت با موضوع فقدان موضوع و فقدان اهلیت درهم می‌آمیزد. لذا اگر مادهٔ ۱۱۳۱ قانون مدنی فرانسه هم وجود نمی‌داشت، باز قرارداد می‌توانست به این دو دلیل باطل باشد.^۱ مثلاً کاشف فرمولی به سازندهٔ جنسی که می‌خواهد از آن فرمول در ساخت استفاده کند، آن فرمول را می‌فروشد و بعد معلوم می‌شود که بدون خرید هم امکان دسترسی به آن دانش برای وی موجود بوده است. در اینجا باید بیع بدون علت تلقی و باطل محسوب شود که البته شعبهٔ تجاری دیوان عالی فرانسه صرف شناخته بودن آن دانش فنی برای سایر تولیدکنندگان را موجب بطلان قرارداد به سبب فقدان علت نمی‌داند. همین که منعقدکنندهٔ قرارداد در هنگام قرارداد نسبت به آن دانش جاهل باشد و بدون مساعدت دهندهٔ آن دانش امکان دسترسی بدان موجود نباشد، عقد از علت لازم برخوردار است و باطل نیست.^۲

در فرانسه هم تحت تأثیر رویهٔ قضایی در طرح اصلاحی، صحبت از «علت تعهد»^۳ است و نه «علت قرارداد». در مادهٔ ۱۱۳۴ طرح اصلاحی کاتالا از تفکیک علت به «علت تعهد» که مفهومی نوعی است و «علت قرارداد» که مفهوم شخصی است، خودداری می‌کند و مقرر می‌دارد: توافق زمانی معتبر است که تعهد ناشی از آن دارای علت واقعی و مشروعی باشد که آن را توجیه نماید. در ادامه مادهٔ ۱۱۲۵ در مواردی که از ابتدا عوض مورد توافق صوری یا مضحک باشد، تعهد به دلیل فقد علت واقعی و جاهت قانونی ندارد. هر شرط که با ویژگی حقیقی علت مطابقت نکند، کأن لم یکن است.

با وجود انتقادهایی که به طرح کاتالا در موضوع علت شد، لکن وجود علت در این طرح باقی ماند. همان‌گونه که عرفاً وجود عوض در نظام کامن‌لو از شروط اساسی یک قرارداد است، در نظام فرانسه وجود علت از چنین اهمیتی برخوردار است. گاه قرارداد به دلیل عدم وجود علت،

۱. دینانی، عبدالرسول، مطالعه تطبیقی جهت و علت عقد در حقوق ایران و فرانسه و فقه امامیه، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۳۸۹، شماره‌های ۸ و ۹ و ۱۰، ص ۵.

۲. همان، ص ۶.

3. Cause de l'obligation.

باطل است؛ مانند اینکه کسی برای هزینه‌های زندگی یک فرد مبلغی می‌پرداخته است و بعد معلوم می‌شود آن شخص اساساً در قید حیات نبوده، یا اینکه قرارداد برای یکی از طرفین بلااستفاده است؛ مانند تعهد پرداخت حق‌الزحمه به نسب شناس در شرایطی که خود خواهان می‌داند وارث او کیست. گاه یکی از شروط قرارداد اساساً مغایر با وجود قرارداد است؛ مانند قضیه کروئوپست که «شروط تحدید مسئولیت مندرج در آن» وجود قرارداد را زیر سوال می‌برد.^۱

در قضیه کروئوپست، پرونده به این شرح بود که یک شرکت نامه خود را برای هیأت داورى به شرکت کروئوپست تحویل می‌دهد تا در ظهر روز بعد به مقصد برسد. شرکت پست موفق به انجام تعهد خود در موعد مقرر نمی‌گردد و شرکت صاحب نامه علیه شرکت پست دعوا طرح می‌کند. شرکت پست به شرطی در قرارداد اشاره می‌کرد که به موجب آن مسئولیت محدود به مبلغ پرداخت‌شده برای انجام خدمت پستی بوده است (شروط تحدید مسئولیت). دادگاه بدوی رأی می‌دهد که اگرچه شرکت پست نقض تعهد کرده است، این نقض آن چنان اساسی نیست که مانع اعمال شرط تحدید مسئولیت شود. اما دادگاه تجدیدنظر رأی را نقض می‌کند؛ به این دلیل که شرکت پست یک شرکت حرفه‌ای است و تقبل کرده که بسته را تا زمان معینی به مقصد برساند و شرط تحدید مسئولیت با آنچه بر عهده گرفته، در تعارض است. بنابراین، شرط تحدید مسئولیت نباید با تعهد اصلی متعهد در قرارداد در تعارض باشد.^۲ بر همین اساس، در ماده ۱۱۲۵ طرح اصلاحی کاتالا بدواً مقرر گردیده است، در مواردی که عوض صوری و مضحک باشد، تعهد به دلیل فقد علت واقعی، وجاهت قانونی ندارد و در پاراگراف دوم هر شرطی که با ویژگی حقیقی علت مطابقت نکند، کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد تدوین‌گران طرح اصلاحی دو موضوع را مدنظر داشته‌اند: اول آنکه نباید تعریف علت آن چنان محدود شود که کاربردهای خود را از دست دهد و نه آن چنان گسترده که ثبات قراردادی را به خطر بیندازد.

در قوانین جدید آلمان و هلند و اصول قراردادهای اروپا و طرح چارچوب مشترک نظریه علت پیش‌بینی نشده است. در راستای مدرن نمودن مقررات قانونی در بحث شروط اعتبار یک قرارداد در طرح کاتالا، نیز علت واقعی و مشروع تعهد قراردادی مدنظر بوده، ولی در آخرین نسخه طرح اصلاح حقوق قراردادهای وزارت دادگستری فرانسه «نظریه علت» حذف و شروط اعتبار یک

1 Eva Steiner, French law: A Comparative Approach, Oxford University Press, 2010 pp 331-333.

2 Courde Cassation 22 Oct 1996 n 93-18-632, Bul iv no 261.

قرارداد به وجود رضایت، اهلیت و محتوای قانونی و معین محدود و سبب^۱ (علت) و موضوع^۲ حذف شده است.^۳

«علت تعهد» و «علت عقد» با هم متفاوت هستند؛ علت تعهد هدف بدون واسطه یک تعهد قراردادی است و علت عقد هدف با واسطه از عقد.^۴ مثلاً تملک مبیع از سوی خریدار «علت تعهد» است و «جنبه نوعی» دارد؛ درحالی که «اجاره دادن آن مبیع»، هدف شخصی و در افراد مختلف فرق دارد. علت یا سبب، چرایی را به ما نشان می‌دهد که چرا یک طرف نسبت به انعقاد یک قرارداد اقدام می‌کند، هرچند علت با معیار نوعی و براساس نوع یک قرارداد و براساس انگیزه‌های شخصی و واقعی طرف قرارداد تبیین گردد. شاید به این دلیل است که بحث سبب در نظام‌های حقوقی مختلف چالش برانگیز شده است. برای همین است که در این اصلاحیه سعی شده تا نسبت به رفع ابهامات و ساده‌سازی قانون کمک شود.^۵ از طرفی با نگاهی به سایر مواد ملاحظه می‌شود که در قانون جدید از عبارت «محتوای قرارداد» استفاده شده است که باید معین و قانونی باشد.

حال چند حالت مطرح است: اینکه آیا عبارت «محتوای قرارداد» دربرگیرنده موضوع و علت قرارداد است؟ منظور از محتوای قرارداد چیزی غیر از علت و موضوع است؟ یا اینکه محتوای قرارداد فقط یا دربردارنده علت است یا موضوع و نه هر دو؟ در بررسی فرضیات فوق باید گفت که محتوای قرارداد نمی‌تواند علت را دربرگیرد؛ چراکه در نص صریح ماده اصلاحی، cause حذف شده است. مضافاً اینکه از ماده ۱۱۶۲ قانون فرانسه که مقرر می‌دارد: قرارداد نباید از حیث محتوا و هدف مغایر نظم عمومی باشد، چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود که محتوا و هدف قرارداد دو موضوع جدا از هم هستند و محتوا، هدف قرارداد را دربر نمی‌گیرد. بنابراین، به نظر می‌رسد منظور از عبارت le contenu du contrat که در انگلیسی به آن the content of contract گفته می‌شود، باید همان «موضوع» قرارداد باشد و نه «هدف و علت» قرارداد. البته در این مورد باید

1. Cause.

2. Object.

3. Denis Mazeaud, La reforme du droit francais des contrats, R.J.T,44-1 2010, P 247.

۴. امامی، سیدحسن، *حقوق مدنی*، جلد ۱، ص ۲۲۱.

5. Whittaker S., 2008. The Law of Obligations. In J. Bell, S. Boyron, S. Whittaker eds. 2008. *Principles of French law*. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press. P. 317.

منتظر تفاسیر و دیدگاه‌های مختلف و بعضاً خلاقانه دادگاه‌های فرانسه در تفسیر قانونی بودن یا نبودن جهت قرارداد بود؛ زیرا هرچند واژه علت از متن قانون حذف شده است، تأثیر مشروعیت علت قرارداد در مواد دیگر دست نخورده است (مانند ماده ۱۱۶۲)^۱ و می‌تواند کماکان در قانون توجه دادگاه‌های فرانسه باشد.

۲.۳. تعیین موضوع قراردادها و ثمن‌شناور

در حقوق فرانسه به موجب ماده ۱۵۹۱ قانون تعهدات فرانسه (قبل از اصلاح قانون)، توافق درباره قیمت برای اعتبار قرارداد لازم بود و در ماده ۱۵۹۲ اجازه داده بود تا تعیین ثمن به حکمیت شخص ثالث واگذار شود و چنانچه شخص ثالث مایل به انجام این کار نباشد یا اساساً نتواند ثمن را تعیین کند، معامله‌ای وجود نخواهد داشت. اما همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، شروط اعتبار یک قرارداد در قانون جدید فرانسه^۲ عبارت‌اند از: ۱- اهلیت، ۲- رضایت طرفین، ۳- قانونی بودن و معلوم بودن محتوای قرارداد.^۳ در طرح اصلاحی اصل معین بودن مورد معامله به همان شیوه که در قانون سابق آمده، حفظ شده است. لکن به ذکر عبارت کلی «محتوای قرارداد» اکتفا شده و فقط این توضیح اضافه شده است که اختیار یکی از طرفین به انتخاب طرف دیگر واگذار نشود. در قانون جدید موضوع تعهد ممکن است معین یا قابل تعیین باشد و در مورد اخیر تعیین میزان تعهد به تصمیم منفرد یکی از طرفین واگذار نشود. اما دو استثنا برای معین بودن مورد معامله در نظر گرفته شده که اولی در قراردادهای فرم، به‌ویژه در زمینه توزیع و استثنای دوم در قراردادهای خدمت است که اجرای آن به‌صورت متوالی در برگیرنده تعهد به فعل است و مبلغ دقیق آن در زمان انعقاد قرارداد قابل تعیین نیست.^۴ در مواقعی که آن طرفی که تعیین قیمت بر عهده اوست، از این موقعیت سوءاستفاده نماید، طرف دیگر می‌تواند از دادگاه تعیین بهای قرارداد را مطالبه کند. دادگاه برای تعیین قیمت باید رویه‌های متعارف، قیمت بازار و انتظارات مشروع طرفین را از قرارداد در نظر بگیرد. بنابراین، این مقرر به قراردادهایی

۱. ماده ۱۱۶۲: قرارداد نمی‌تواند مغایر نظم عمومی باشد؛ چه در شروط و چه در هدف، خواه همه طرف‌ها از آن اطلاع داشته یا نداشته باشند.

۲. ماده ۱۱۲۸: شروط زیر برای اعتبار یک قرارداد لازم است: ۱. رضایت طرفین، ۲. اهلیت معامله، ۳. محتوای مشخص و قانونی.

3. Un contenu licite et certain.

۴. داراب‌پور، مهرباب و دیگران، *چالش‌های حقوقی در معاملات بازرگانی بین‌المللی*، چاپ خرسندی، ۱۳۹۶، صص ۵۱ به بعد.

است که در لحظه انعقاد قرارداد نمی‌توان قیمت مشخصی برای کل مدت آن در نظر گرفت (مواد ۱۱۶۳ و ۱۱۶۴ قانون جدید فرانسه).^۱ ثمن‌شناور در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپایی و کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ کالا^۲ نیز پیش‌بینی شده است.^۳ ماده ۵۷۹ و ۵۸۰ قانون مدنی افغانستان مصوب ۱۹۷۶ نیز گفته است که موضوع معامله معین یا قابل تعیین باشد. در ماده ۱۲۶ قانون مدنی عراق در وصف معین بودن موضوع تعهد، صرف عدم وجود جهالت فاحش و ذکر اوصاف ممیزه کافی است.

در قراردادهای با اجرای اقساطی می‌توان توافق نمود قیمت تعهدات ارائه‌شده از سوی طلبکار، توسط وی در هریک از مراحل ایفای تعهد، ولو با ارجاع به تعهدهای خود او تعیین شود. در ماده ۱۱۶۵^۴ قانون جدید فرانسه، چنانچه میزان تعهد در زمان انعقاد قرارداد معین نشده باشد و قابل تعیین نباشد، مبلغ آن توسط دائن تعیین می‌شود. در هر حال مدیون می‌تواند با تودیع مبلغ متعارف خود را از مسئولیت مبرا کند.^۵

۱. ماده ۱۱۶۳: اجرای تعهد برای حال یا آینده است. این تعهد باید مقدور و معین یا قابل تعیین باشد. منافع در صورتی قابل تعیین است که بتوان از قرارداد یا با ارجاع به موارد مورد استفاده و روابط قبلی و بدون توافق بعدی طرفین آن را استنباط نمود.

ماده ۱۱۶۴: در قراردادهای نمونه می‌توان توافق نمود که مبلغ قرارداد به طور یک‌طرفه توسط یکی از طرفین تعیین شود و در صورت بروز اختلاف برای اثبات ثمن به عهده اوست. در صورت سوءاستفاده در تعیین ثمن، قاضی می‌تواند ادعای جبران خسارت قراردادی را مردود بشمارد و در صورت لزوم قرارداد را فسخ نماید.

۲. هیجده تن از دانشمندان دانشگاه‌های معتبر جهان، *تفسیری بر بیع بین‌المللی*، ترجمه داراب‌پور، مهراب، ذیل ماده ۵۵. ۳. الف) اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی ماده ۷-۱-۵ UNIDROIT هنگامی که مبلغ به طور مقطوع تعیین نمی‌شود یا مقرراتی برای تعیین آن در قرارداد موجود نیست، چنین تلقی می‌شود که طرفین به مبلغی ارجاع داده‌اند که عموماً در زمان انعقاد قرارداد برای اجرای تعهد مزبور در اوضاع و احوال قابل قیاس در تجارت مورد نظر به حساب گذاشته می‌شود یا اگر چنین مبلغی در دسترس نباشد، ارجاع به مبلغی متعارف منظور نظر بوده و در موارد غیرمعمول بودن ثمن تعیین شده توسط طرفین یا ثالث ملاک قیمت متعارف است.

ب) در اصول حقوق قراردادهای اروپا ماده ۱۰۴-۶ مقرر شده است: در صورتی که در قرارداد مبلغ یا شیوه آن مشخص نباشد، چنین تلقی می‌شود که طرفین روی یک مبلغ متعارف توافق داشته‌اند و به موجب ماده ۱۰۵-۶، چنانچه تعیین قیمت به عهده یک طرف عقد باشد و تعیین وی به نحو فاحشی غیرمعمول باشد، مبلغ متعارف دیگری جایگزین خواهد شد. هنگامی که به ثالث محول شده باشد و او نخواهد یا نتواند این کار را انجام دهد، براساس ماده ۱۰۶-۶ این اصول، شخص دیگری برای محاسبه ثمن تعیین خواهد شد و چنانچه تعیین شخص ثالث به نحو فاحشی غیرمعمول باشد، مبلغ متعارف جایگزین خواهد شد. ۴. ماده ۱۱۶۵: در قراردادهای ارائه خدمات، اگر طرفین قبل از اجرای قرارداد توافقی ننموده باشند، مبلغ قرارداد توسط متعهدله تعیین می‌شود و هم اوست که متعهد است تا در زمان بروز اختلاف آن را احراز نماید.

۵. ماده ۱۱۶۶: در مواقعی که کیفیت و نحوه ارائه خدمت تعیین نشده باشد و یا به موجب قرارداد قابل تعیین نباشد، متعهد باید آن چنان خدمتی را ارائه دهد که مطابق انتظارات مشروع طرفین، با توجه به ماهیت آن، کاربرد و میزان عوض داده شده برای آن باشد.

۲.۴. مقررات تعهدات یک‌جانبه قراردادی و قراردادهای با حق تقدم

امروزه توافقات‌های نوظهوری در عرصه تجارت به‌چشم می‌خورد. در ایران بیشتر در بازار بورس^۱ شبیه چنین قراردادهایی دیده می‌شود که به‌موجب آن بین خریدار و فروشنده توافق واگذاری منعقد می‌شود که به موجب آن خریدار از فروشنده اختیار معامله، حق خرید یا فروش یک دارایی را با یک قیمت معین را کسب می‌کند. در اینجا نیز همانند تمام قراردادهای که هر طرف امتیازی را به طرف مقابل اعطا می‌کند، خریدار به فروشنده مبلغی تحت عنوان «حق شرط» پرداخت می‌کند که در واقع همان قیمت اختیار معامله می‌باشد. فروشنده نیز حق خرید یا فروش دارایی مذکور را در یک قیمت معین به خریدار اعطا می‌نماید. اختیاری را که برای خرید یک دارایی داده می‌شود، «اختیار خرید» و اختیاری که برای فروش یک دارایی داده می‌شود، «اختیار فروش» گویند. قیمت تعیین‌شده‌ای که خریدار می‌تواند دارایی را خریداری کند یا بفروشد، «قیمت اعمال یا قیمت توافق» نامیده می‌شود. اختیار معامله مدت معینی دارد. حق خرید یا فروش دارایی در یک قیمت معین فقط تا تاریخ انقضایی که قبلاً مشخص شده است، امکان خواهد داشت. پس از اینکه تولیدکننده برای یکی از مشتریان (سهام‌داران یا یکی از ذی‌نفعان) خود، اختیار خرید یا فروش صادر نمود، این اختیار خرید یا فروش در بورس، مورد معامله قرار می‌گیرد. نرخ خرید یا فروش یک قرارداد اختیار، بر اساس رقابت در بورس تعیین می‌شود.

این قراردادهای در حقوق امریکا و اروپا «آپشن» نام دارد که معادل آن «قرارداد اختیار معامله» یا «اختیار معامله قرارداد آتی» در زبان فارسی است. چنین قراردادهایی در حقوق ایران شناسایی نشده است، ولی در عرف کاربرد دارد. در حقوق فرانسه چنین قراردادهایی تحت عنوان «وعدۀ یک‌جانبه» یا «پیمان اختیار» مدنظر است.^۲ «پیمان حق تقدم» نیز قراردادی است که به‌موجب

۱. در ماده ۱ دستورالعمل معاملات قرارداد اختیار معامله مصوب ۱۳۹۰ هیئت‌مدیره سازمان بورس اوراق بهادار: (اوراق بهاداری که به موجب آن فروشنده اوراق متعهد می‌شود در صورت درخواست خریدار تعداد مشخصی از سهم پایه را به قیمت اعمال معامله نماید. خریدار اوراق می‌تواند در زمان یا زمان‌های معینی در آینده طبق قرارداد، معامله را انجام دهد).

۲. توافق حق تقدم، قراردادی است که به موجب آن یک طرف توافق می‌کند که به ذی‌نفع حق اولویت انجام معامله را در صورتی که او مایل به انجام معامله باشد، اعطا کند. هرگاه با نقض پیمان اولویت، قراردادی با شخص ثالث منعقد شود، ذی‌نفع می‌تواند خسارت وارده به خویش را مطالبه کند. در مواردی که شخص ثالث از وجود توافق حق تقدم و قصد ذی‌نفع برای اقدام براساس آن مطلع باشد، شخص ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه تقاضای ابطال قرارداد یا جایگزینی خود را به جای ثالث در قرارداد بنماید. شخص ثالث همچنین می‌تواند کتباً از ذی‌نفع بخواهد تا در مهلت مقرر که متعارف است، وجود توافق حق تقدم ←

آن طرف قرارداد در تصمیم‌گیری نسبت به انعقاد قرارداد آزاد است، اما متعهد می‌شود که اگر تصمیم به انعقاد قرارداد گرفت، ابتدا به ذی‌نفع پیمان پیشنهاد دهد. چنانچه متعهد به جای ذی‌نفع پیمان با شخص ثالث معامله کند، خدشه‌ای به حقوق ذی‌نفع پیمان وارد نمی‌سازد و فقط ذی‌نفع حق مطالبه خسارت را دارد. همچنین ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه ابطال قرارداد با ثالث یا جایگزینی خود را در قرارداد بخواهد، مشروط بر اینکه شخص ثالث از حق وی بر مورد معامله مطلع بوده باشد. در خصوص تعهدات یک‌جانبه قراردادی، دادگاه‌ها به‌طور سنتی در صورت نقض تعهد یک‌جانبه به جای الزام به ایفای عین تعهد، حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کردند. در مقررات اصلاحی به این مناقشه پایان داده شد و در صورت نقض یک تعهد یک‌جانبه از سوی متعهد، در طول مدتی که ذی‌نفع حق استفاده داشته است، مانع انعقاد قرارداد نمی‌شود و فقط در مواردی که شخص ثالث از وجود تعهد به نفع ذی‌نفع مطلع باشد، قرارداد باطل است. این مقرر برای اولین بار در ماده ۱۱۲۴^۱ قانون جدید فرانسه پیش‌بینی شده است.

البته مشابه این نهاد در قانون تجارت ایران، اما نه در مورد قرارداد، نیز پیش‌بینی شده است. در ماده ۱۶۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، حق تقدم سهام‌داران شرکت‌های سهامی در خرید سهام جدید به رسمیت شناخته شده و این حق نیز قابل انتقال است.

→ و قصد خود را در اقدام به معامله حق تقدم اعلام نماید. در متن اخطار باید نوشته شود که در صورت عدم پاسخ ذی‌نفع پیمان در مهلت مقرر، او حق ندارد تقاضای ابطال قرارداد یا جایگزینی خود را در قرارداد تنظیمی با ثالث از دادگاه بخواهد.

۱. ماده ۱۱۲۴: وعده یک‌جانبه قرارداد، قراردادی است که به موجب آن یک طرف، متعهد، به طرف دیگر، ذی‌نفع، وعده می‌دهد و دیگری می‌پذیرد که حق انعقاد قراردادی را که عناصر اساسی آن تعیین شده، لیکن برای تشکیل آن صرفاً رضایت ذی‌نفع الزامی است، به او اعطا کند. انصراف از وعده در طی دوره مجاز برای اعلام رضایت ذی‌نفع، مانع تشکیل قرارداد موعود نمی‌شود. قراردادی که با نقض وعده یک‌جانبه با ثالث منعقد شده و ثالث نیز از وجود آن مطلع بوده است، باطل می‌باشد.

نتیجه‌گیری

اصلاحات حقوق تعهدات فرانسه پس از چندین دهه تلاش و رویارویی با امواج نظرها و انتقادات به ثمر نشست و از اول اکتبر ۲۰۱۶ لازم‌الاجرا می‌گردد.^۱ هدف از این اصلاح جهانی‌سازی، مدرن کردن و ساده‌سازی مقررات حقوق قراردادهای بود. در این نظام حقوقی بیشترین اصلاحات مرهون رویه قضایی فرانسه بود.^۲ به‌همین منظور در این اصلاح «علت تعهد» که یکی از عناصر کلیدی حقوق سنتی فرانسه بود، حذف گردید. بیشتر نوآوری‌هایی که امروزه در این اصلاحیه رعایت اصل حسن‌نیت نه فقط در انعقاد قرارداد، بلکه در طول اجرای آن الزامی شد. تعهد به ارائه اطلاعات، پیش‌بینی ضمانت‌اجرا برای پایان دادن نادرست به مذاکرات اولیه، تعهد به حفظ محرمانگی اطلاعات در مرحله مذاکره پیش از انعقاد قرارداد، از نوآوری‌های مرحله پیش قراردادی است.

بیش از هشتاد سال از تصویب قانون مدنی می‌گذرد. بسیاری از بخش‌های آن نیازمند تکمیل، بازسازی و اصلاح است. شباهت‌های فراوانی میان حقوق تعهدات ایران و فرانسه وجود دارد. مطالعه پیشرفت‌های حقوقی به‌ویژه در قانون فرانسه‌ای که منبع الهام‌بخش تدوینگران قانون مدنی ایران و کشورهای عربی بوده است، کمک می‌کند تا ضمن شناسایی دستاوردهای رویه قضایی و دکتترین که در اصلاح بخش تعهدات حقوق فرانسه نقش بسزایی داشته‌اند، از نکات مثبت و قابل اعمال آن، مانند برخی کشورهای دیگر، به منظور اصلاح قانون مدنی ایران نیز در آینده‌ای نزدیک استفاده شود.

اگر در حقوق ایران نظریه کشف رها و آینده‌نگری در پیش گرفته شود، می‌توان در مردم و حقوق‌دانان امید ایجاد کرد. ساده‌سازی مقررات، حمایت از طرف ضعیف در قراردادهای استاندارد و جذاب‌سازی حقوق قراردادهای نیز می‌تواند مبنای خوبی برای قانون‌گذاری ایران باشد. صرف‌نظر

۱. این مقاله و پژوهش دیگر قبل از لازم‌الاجرا شدن اصلاحات قانون فرانسه به رشته تحریر در آمده است. منابع بعدی افزوده شده است.

ou réduction? In P. Stoffel-Munck ed. 2015. Réforme du droit des contrats et pratique des affaires. Paris: Dalloz. p.101.

2. GUYOMAR M. Y compris à droit constant, la codification revêt une dimension non seulement formelle mais aussi substantielle. La Semaine Juridique (édition générale), n° 48, p. 1.272.

از علت قرارداد که هنوز بحث‌برانگیز است، ولی در حقوق ایران مشکل‌ساز نیست، ضرورت دارد قانون‌گذار ایرانی از تعیین موضوع قرارداد و ثمن‌شناور الگو بگیرد و به‌اختیار معامله یا وعده یک‌جانبه یا قراردادهای با حق تقدم هم که در عرف مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، جنبه قانونی دهد و در عین حال از تغییرات و نوآوری‌های زمان اجرا و پس از نقض قرارداد که در تحقیق جداگانه خواهد آمد، نیز غافل نماند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. امامی، حسن، **حقوق مدنی**، جلد ۱، انتشارات اسلامیه، ۱۳۵۶.
۲. داراب پور، مهرباب دیگران، **راهکارهای حقوق حمایتی**، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶.
۳. داراب پور، مهرباب و دیگران، **چالش‌های حقوقی در معاملات بازرگانی بین‌المللی**، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۶.
۴. شعاریان، ابراهیم و ابراهیم ترابی، **مطالعه تطبیقی طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه با حقوق ایران و اسناد بین‌المللی**، شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۵. طباطبائی، جواد، **نظریه حکومت قانون**، انتشارات ستوده، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۶. کاشانی، محمود و دکتر سید محمود کاشانی، **استانداردهای جهانی دادگستری**، نشر میزان، سال ۱۳۸۴.
۷. هیجده تن از دانشمندان، **تفسیری بر بیع بین‌المللی**، ترجمه مهرباب داراب پور، کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۵.

مقاله

۸. امینی، منصور، میرحسین عابدیان و سکینه کرمی، **نحوه برخورد نظام‌های حقوقی در برخورد با شروط ناعادلانه قراردادی و سکوت قانون حمایت از مصرف‌کنندگان در ایران**، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۵۹.
۹. داراب پور، مهرباب و علی اکبر، ادیب، **تأثیر عدم قابلیت پیش‌بینی در روند اجرائی قراردادهای تجاری**، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۳.
۱۰. داراب پور، مهرباب، **مقایسه تطبیقی ایفای عین تعهد**، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹، شماره‌های ۲۹ و ۳۰ سال.
۱۱. دینانی، عبدالرسول، **مطالعه تطبیقی جهت و علت عقد در حقوق ایران و فرانسه و فقه امامیه**، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۳۸۹، شماره‌های ۸ و ۹ و ۱۰.
۱۲. سیمیلر، پروفیسور فیلیپ، **راه حل حقوق فرانسه در مقابله با شروط تحمیلی قراردادها**، ترجمه عباس قاسمی حامد، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۲۳-۲۴.

۱۳. شیروی، عبدالحسین، قراردادهای استانداردهای حقوق کامن لو با تاکید بر حقوق انگلستان و امریکا، مجله مجتمع آموزش عالی قم، بهار ۱۳۸۱، شماره ۱۲.
۱۴. صفایی، حسین و نعمت اله الفت، اجرای اجباری عین تعهد و تقدم آن بر فسخ قرارداد، نامه مفید، شهریور ۱۳۸۹، شماره ۷۹.
۱۵. قاسمی، حامد، مروری اجمالی بر نظریه تعهد به دادن اطلاعات در قرارداد، مجله کانون وکلا، ۱۳۷۵، شماره ۱۰.

پایان نامه

کاظمی نجف آبادی، دکتر عباس، «نقض قابل پیش‌بینی و ضمانت‌اجراهای آن در حقوق تجارت بین الملل»، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.

ب) منابع فرانسوی

Books

16. Alexis Downe, *The Reform of French contract law: a critical overview*. Revista da Faculdade de Direito-UFPR, Curitiba, vol 61, no 1, Jan 2016.
17. Eva Steiner, *French law: A Comparative Approach*, oxford university press, 2010..
18. GHESTIN J., LOISEAU G. and SERINET Y.-M., 2013. *La formation du contrat. Tome 1. Le contrat, le consentement*. 4th ed. Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence and Lextenso.
19. Pignarre, Geneviève, *Le droit des obligations d'un siècle à l'autre, Dialogues autour de la réforme du titre III du livre III du Code civil*, Editeur: Institut Universitaire Varenne, Collection: Colloques & Essais, ISBN: 978-2-37032-081-0; 2016.
20. Whittakers. *The Law of Obligations*. In J. Bell, S. Boyron, S. Whittaker eds. 2008. *Principles of French law*. 2nd ed. Oxford University Press.

Articles

21. John Cartwright, Stefan Vogenauer, Simon Whittaker, "Reforming the French Law of Obligations comparative Reflections on the Avant-projet de réforme du droit des obligations et de la prescription ('the Avant-projet Catala')", *Studies of the Oxford Institute of European and Comparative Law*, 2009.
22. Benedicte Fauvorque-cosson. "Towards an important reform of French civil law". *Montesquieu Law Review*, No 3 2015.